



ویژه نامه
آخر هفته

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:

مهدی شفيعی

مدیر مسئول: علی عالی

دستیاران سردبیر:

آرمن ساروخانیان، رسول مجیدی، مجتبی رفیعی

سرویس فوتبال ایران:

ابراهیم افشار، فرشاد کاس‌نژاد، ناصر قراگزلو، وصال روحانی، حمیدرضا عرب، سعید آقایی، جعفربرزگر، امیراسدی، محمد قراگزلو، هومن جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار، سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف، سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان، احسان محمدی، علی مغانی

سرویس ورزش جهان:

اشکان نعمت‌پور، یاسر احمدی، سیدعلی بلندنظر، حمید کشاورز

سرویس ورزش ایران:

آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور،

محسن آجرلو، ناصر انصافی مقدم،

شکوفه موسوی، وحید جعفری

صفحه آرایی: فرشید بهاری، محسن ذاکری

حامد حسینی، علی عباسی، نسرين کاظمي

عکس: نعیم احمدی

طرح جلد: شهاب جعفرنژاد

ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند،

مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه

مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی

روابط عمومی: سمیه مهدی‌پور

سپاس ویژه از

بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور،

شهاب پاک نگر، رضا درویش

لیتوگرافی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

چاپ: ایراتیان

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

تلفن: ۴-۸۸۵۰۴۱۱۳، نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳

امور مشترکین: ۹-۲۲۲۲۴۳۸

سازمان آگهی‌ها: ۷۰۶۱۷۰۸۸۵

منوچهر دین‌پرست

Manoochehr Dinparast

شاید این پرسش در نگاه اول اندکی اغراق آمیز باشد اما با کمی تأمل و توجه می‌توانیم به یک مفهومی برسیم که مد نظر ماست. فوتبال از جمله ورزش‌های دوران مدرن است که تاریخ‌چندان طولانی ندارد. برخلاف بسیاری از ورزش‌ها مانند شنا، تیراندازی، سوارکاری و... که دارای تاریخ و قدمت طولانی هستند و برخی از ورزش‌ها نیز جزئی از آیین و رفتار فرهنگی و قومی تبدیل شده مانند کشتی و ورزش‌های زورخانه‌ای اما فوتبال اینگونه نیست.

شما نمی‌توانید فوتبال را ورزشی کهن و یا قومی تصور کنید. حتی فوتبال ورزشی پهلوانی هم نیست که بازوبند جوانمردی و پهلوانی به ورزشکاران آن اهدا شود. بر این اساس فوتبال دارای ویژگی‌هایی است که ما را در مسیر نگاه خاصی قرار می‌دهد. این نگاه را باید از منظرهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تجاری مورد توجه قرار داد.

بازی فوتبال دو کشور در حال جنگ و یا تخاصم مانند ایران و عربستان قطعاً بین سیاستمداران توجه خاصی را به دنبال دارد. یا بازی فوتبال ایران و افغانستان از آنجا که همسایه و همزبان هستیم می‌تواند از منظر فرهنگی مورد توجه قرار گیرد به طوری که وقتی بازی فوتبال ایران و افغانستان در تهران انجام شد بیشتر تماشاچیان افغانستانی‌های مقیم ایران بودند اما وقتی قرار است بین تیم ایران و یا کشوری اروپایی بازی انجام شود نگاه تجاری بیشتر از همه غلبه پیدا می‌کند. با این مثال‌ها به این نکته می‌خواهیم برسیم و آن این است که فوتبال بیش از هر چیزی بازی دوست‌داشتنی است و این دوست داشتن تنها از سر تفتن و سرگرمی نیست چرا که در ذات فوتبال چیزی نهفته است که همه را به آن جذب می‌کند. بر این اساس نگاهی به معنا و مفهوم دوستی خواهیم داشت.

در باب دوستی بسیاری از فرهیختگان روانشناسی و جامعه‌شناسی صحبت کرده‌اند. اگرچه مفهوم دوستی معنایی جامعه‌شناختی و روانشناختی دارد و بن‌مایه معرفتی بحث دوستی بر همین اساس نهفته است اما فیلسوفان هم دراین باب مطالبی را طرح کرده‌اند. لذا برای بررسی مسأله دوستی باید جغرافیای مفهوم دوستی به خوبی تبیین شود. اولین مسأله در بحث مفهوم دوستی این است که دوستی به عنوان یک واقعیت روانشناختی و جامعه‌شناختی پدیده‌ای است که هم در درون من دوست می‌گذرد و هم مفهومی

است که مصداق آن در ارتباط بین من و طرف مقابل من وقوع پیدا می‌کند اما نکته دیگر این است که این چه علل و عواملی دوستی را پدید می‌آورند. وقتی که به این نکات توجه می‌کنیم کاملاً مشخص می‌شود که آثار و نتایج دوستی نقطه بسیار مهم و کلیدی است که ما را به سوی فهم دقیق معنای دوستی سوق می‌دهد. تا وقتی که دوستی برای حل و رفع مسائل و مشکلات اجتماعی و روانشناختی نباشد نمی‌توان دوستی را مسأله‌ای ذوقی و یا حتی سلیقه‌ای دانست. در ادامه باید به نکته دیگری هم در باب تبیین جغرافیای دوستی اشاره کرد و آن این نکته است که دوستی که تا اینجا طرح کردیم دوستی بین انسان با انسان است. این دوستی یک مشترک منفعتی در ذاتش نهفته دارد چرا که ما یک سلسله مطلوب‌های اجتماعی جمعی یا فردی را در نظر می‌گیریم و با هم مشارکت می‌کنیم تا آن مطلوب حاصل شود. بعد آهسته آهسته پی می‌بریم که اگر آن دیگری نبود به آن مطلوب نمی‌رسیدیم. در اینجا «فلانی دوست من است» یعنی «ما مشترک‌المنافع هستیم». مطلوب‌های اجتماعی فردی و اجتماعی، فقط در ظرف اجتماعی قابل تحقق هستند. من اگر در بیابانی زندگی می‌کردم این مطلوب‌ها وجود نداشتند. بنابراین در بحث تبیین جغرافیای دوستی ما با نمود عینی و منفعتی دوستی بسیار احساس قرابت و نزدیکی می‌کنیم اما گاهی هم دوستی فقط برای خود دوستی است. یعنی ما چنان با فرد دوست می‌شویم که او را جزئی از خود می‌دانیم و نمی‌توانیم نبود او را تصور کنیم. مانند این است که نبود خود را بخواهیم متصور شویم. بر این اساس این نوع دوستی ریشه‌ای فلسفی دارد.

فیلسوفان بسیاری از زمان یونان باستان تا عصر حاضر در باب دوستی صحبت کرده‌اند. برای مثال افلاطون در «مکالمه لوسیوس»، سیسرو در «درباره دوستی» و کانت در «متافیزیک اخلاقیات». این مفهوم در سال‌های اخیر هم در تئوری‌های سیاسی فلاسفه‌ای مانند ژاک دریدا «سیاست دوستی»، جورجو آگامبن «دوستی» و مایکل هارت/ آنتونیو نگری (Multitude) بررسی شده است. برای مثال، هارت و نگری دو فصل کتاب Multitude خود را به موضوع عشق و دوستی اختصاص داده‌اند اما آنچه ما آن را دوستی می‌نامیم، در یونانی باستان philia خوانده می‌شود. بار معنای این واژه به مراتب از درک امروزی ما از دوستی گسترده‌تر است. معنای آن در زبان یونانی در بردارنده مفاهیم بیشتری است و استفاده‌های متعدد دارد. philia اصطلاحی گسترده بود که این امکان را برای ارسطو فراهم می‌آورد تا انواع گوناگون روابط دوستی

ویژه نامه آخر هفته

دیباچه



فیلفوتبالیا

آیا می‌توان دوستدار فوتبال بود؟

و احساسات دوستانه را بررسی کند؛ برای مثال روابط بین مادر و فرزند یا برادر و برادر یا حتی بین شهروند و شهروند. همچنین بایستی philia را از مفاهیمی مثل اروس و عشق رمانتیک متمایز کرد.

برای یونانی‌ها، زن و شوهر می‌توانستند دوست باشند و در عین حال عاشق یکدیگر نیز باشند، نوعی از محبت که کاملاً از دوستی متمایز بود. قابل ذکر است philadelphia به عشق دوستانه برادرها تلقی می‌شد و philosophia به معنای عشق به فلسفه و یا دوستدار فلسفه بود. بنابراین در معنای بسیار ساده فلسفه به معنای دوستدار دانش است. اگر همین معنای ساده را که دوستدار بودن و یا عشق به دانش را قدری گسترده‌تر بدانیم می‌توانیم از کسی که دوستدار چیزی باشد به معنای فیلو برشماریم.

با تعریفی که در بالا طرح شد فیلو معنای گسترده‌تری هم به خود می‌گیرد و دوستی را به خاطر دوستی خواستن در نظر گرفته می‌شود. اگر فوتبال را هم به همین معنا بگیریم برخی فوتبال را به خاطر خود فوتبال که در ماهیتش بسیار جذاب و دیدنی واز سوی دیگر دارای منافع روانشناختی و جامعه‌شناختی است دوست می‌دارند. اینها فوتبال برایشان نه سیاست، نه تجارت و نه حتی مسأله‌ای فرهنگی است. فوتبال را برای خود فوتبال دوست دارند. ما در این دوستی خیرخواه هستیم و طلب مطلوب را برای دوست می‌کنیم. برد در فوتبال امری مطلوب است و کسی که فوتبال را می‌بیند همواره مطلوبش برد است اما گاهی حتی از بازی خوب هم لذت می‌برد بدون اینکه به مطلوبش رسیده باشد. اگرچه این مطلوب امری ستودنی است اما بیچش‌های جدی در آن نهفته است و به سهولت نمی‌توان دوستی را امری فقط در مقام زیبایی حتی دانست. این معنای خیلی عمیقی در دوستی است و کسانی گفته‌اند که به این دوستی دست پیدا کرده‌اند در عمیق‌ترین لایه وجود خود، در پی حقیقت، خیر و زیبایی هستند.

بر این اساس عده‌ای فوتبال را چنان زیبا می‌بینند که فوتبال برای آنها معنای برد و تجارت ندارد. اگرچه این مسأله بسیار نادر است اما وقتی که ما صحبت از بازی دوستانه می‌کنیم باید بدانیم که چه چیزی را بیان می‌کنیم و چه معنایی در این نکته نهفته است. بازی دوستانه همواره خیر و زیبایی را در خود پنهان دارد که در هنگام بازی آشکار می‌شود. همانطور که فیلسوفیا به معنای دوستدار خیر و زیبایی است و واژه‌ای که جعل شد یعنی فیلفوتبالیا هم می‌تواند معنای دوستدار بازی خوب و زیبا و خیر باشد. بر این اساس می‌توانیم دوستدار فوتبال باشیم و آن را فارغ از هر امر تهی و بی‌معنایی قلمداد کنیم.